



عبدالله بن عباس
محمد بن عبد الله بن عباس
عبدالله بن عباس بن عباس

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين . عرض سلام دارم محضر همه عزيزان . نامه ۵۳ نهج البلاغه از طولانی ترين نامه هاى نهج البلاغه است؛ البته درمیان نامه‌هایی که جنبه سیاسی دارد. این نامه، نامه امیرالمؤمنین^(ع) به مالک اشتر است که جزو افتخارات پیروان امیرالمؤمنین علی^(ع) به حساب می‌آید. امیرالمؤمنینی که شاگرد پیامبری بوده است که مکتب نرفته، شاگردی کسی را نکرده است.

این حرف‌ها بعد از چهارده قرن هنوز که هنوز است، تازه است و برای همه ما به‌ویژه مسئولان جامعه اسلامی و کسانی که جمهوری اسلامی را حکمرانی را نقد می‌کنند، می‌تواند سند خوبی باشد تا آن الگوی ناب و کامل مقایسه شود. نامه این‌جوری شروع می‌شود: «بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما امر به عبدا... علی امیرالمؤمنین. این آیه موردی است که توسط آن بنده خدا علی امیرالمؤمنین به مالک بن حارث اشتر امر کرده‌اند. خوب ببینید در بسیاری از نامه‌های سیاسی نهج البلاغه که امیرالمؤمنین وقتی که از موضع حاکم و امیرمؤمنان نامه می‌نویسند و فرمانی صادر می‌کنند، دارای شروع خاصی هستند، الان دیدید تو نامه‌های اداری می‌گویند از مدیرکل، از فرماندهی به فلان فرد؟ اینجا امیرالمؤمنین شروعشان این‌جوری نیست. می‌گویند این نامه از بنده خداست. اسم مبارکشان علی^(ع) را می‌آوردند بعد آن لقبی که جنبه بار سیاسی دارد و پستشان را دارد، بیان می‌کنند. آن را بیان می‌کنند، این معنایش چیست؟ معنایش به نظرم این است که امیرالمؤمنین می‌خواهند بگویند عبدا... بودن من، بندگی من، اولویت دارد بر امیر بودن و حاکم بودن، یعنی امیرالمومنین^(ع) حکومت را در چارچوب بندگی خدا می‌خواهند، حکومت برایشان اصالت ندارد، حکومت را تا جایی می‌خواهند که به بندگی او در برابر خدای متعال لطمه‌ای نزنند.

این بندگی خدا هم یک چیز بسیار پرمحتوا و غنی است. همین‌جوری فکر نکنید می‌گویند بنده خدا. اگر کسی بنده خداست، دیگر از بند شهوت آزاد شده، از هوس آزاد شده، بنده ثروت نیست، بنده مقام نیست، برده خلق خدا نیست. بسیاری از ماتحت‌تأثیر واکنش‌های مردم هستیم، سرزنش‌های مردم، تشویق‌های مردم، روی ماث‌ر دارد، مثل بچه‌ای که تشویقش می‌کنند، تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. خیلی از آدم‌ها این‌جوری هستند. وقتی امیرالمؤمنین^(ع) خودشان را عبدا... خطاب می‌کنند، یعنی من از همه این جاذبه‌ها و کشش‌ها آزاد هستم، همچنان که توی نماز وقتی ما می‌خواهیم شهادت بدهیم به شانی از شتون پیامبر عبده و رسول^(ص).

امید اینکه همه ما و به‌ویژه مسئولانی که در نظام جمهوری اسلامی مسئولیت می‌پذیرند، به این سمت‌وسو حرکت کنند. عبد خدا شدن به این آسانی‌ها نیست، ولی می‌شود به سمتش حرکت کرد، ان شاءالله...

قسمت اول- فصل اول

اشارت

بهترین راه و رسم دین‌داری

۳وصفی که تدین در آن‌ها جمع شده است

طیبه اشرفی! دین‌داری از اوصافی است که بسیاری از ما علاقه داریم به آن آراسته شویم و راهش را پیام‌وزیم. روایات آمده^(۱) به خوبی هم دین‌داری را معنا کرده‌اند و هم راه آن را نشان ما داده‌اند. امام علی^(ع) می‌فرماید: «زندگی، جز با دین (دین‌داری) نیست و مرگ جز با انکار یقین»

امیرالمؤمنین^(ع) همچنین فرموده‌اند: «بدانید که پایه و اساس کار شما دین است و نگهبان شمالاً و گناهان، تقوا» (شرح نهج البلاغه، ۲/۱۵۳). و از آن حضرت است که: «هرگاه خداوند بنده‌ای را برگزیند، دین‌داری را در دل او اندازد»

از امام صادق^(ع) است که: «امیرالمؤمنین^(ع) در سخنرانی‌های خود این جمله را بسیار می‌فرمودند: ای مردم! دین‌دار باشید، دین‌دار اگر گناه کنید و دین‌دار باشید، بهتر است از اینکه نیکی کنید و بی‌دین باشید، زیرا گناه، در آن آمزیده می‌شود و نیکی در بی‌دینی پذیرفته نمی‌شود» (الکافی، ۲/۶۴۶).

امام علی^(ع) درباره آغاز و فرجام دین هم می‌فرماید: «آغاز دین، شناخت خداست و کمال شناخت او، تصدیق اوست و کمال تصدیق و اقرار به او، یگانه دانستن اوست»

(نهج البلاغه، الخطبه یک). ایشان در تعریف دین‌داری نیز فرموده‌اند: «دین، درختی است که ریشه آن یقین به خداست و میوه‌اش، دوستی کردن و دشمنی ورزیدن برای خدا» (غررالحکم، ۲۵۴۱)

ایشان در حدیثی دیگر، جلوه‌های مهم دین‌داری را بیان می‌کنند و می‌فرمایند: «خالص کردن عمل، کوتاه کردن آرزو، نیکی کردن و خویشتن‌داری از کار زشت، مجمع و عصاره دین هستند» (غررالحکم، ۴۷۷۰) و نیز فرموده‌اند: «دین در سه چیز، جمع است: خویشتن‌داری، پارسایی و شرم»

امیر بیان^(ع) در تبیین نظام دین‌داری نیز می‌فرماید: «نظام دین دو چیز است: منصف بودن و کمک مالی کردن به برادران»

مولای متقیان^(ع) راه و رسم بهترین دین‌داری را نیز به ما نشان داده‌اند: «همانا برترین دین‌داری، دوستی و دشمنی در راه خداست»

ایشان همچنین در معرفی پایه‌های دین می‌فرمایند: «شش چیز از پایه‌های دین است: یقین ناب، خیرخواهی برای مسلمانان، برپاداشتن نماز، پرداختن زکات، حج خانه خدا و بی‌رغبتی به دنیا»

امیرالمؤمنین^(ع) همچنین فرموده‌اند: «کسی که برای خشنودکردن حکمرانی، کاری کند که خداوند به خشم آید، از دین خداوند عزوجل خارج شده است» (بجارالأنوار، ۷۷/۱۵۸).

پیامبر^(ص)! راه شناخت انسان‌های بی‌دین را نیز به ما نشان می‌دهند. رسول خدا^(ص) در این باره می‌فرماید: «همانا با خردمندی، به همه خوبی‌ها می‌توان رسید و کسی را که خرد نیست، دین نیست» (بجارالأنوار، ۷۳/۲۹۳). همچنین امام صادق^(ع) درباره راه ثبات در دین‌داری فرمودند: «کسی که دینش را از طریق کتاب خداوند عزوجل بشناسد، اگر کوه‌ها از جای خود بجهنبد، او در دین خود متزلزل نشود و کسی که ندانسته عقیده‌ای را بپذیرد، ندانسته هم از آن خارج شود»

(بجارالأنوار، ۲۳/۱۱۰۳)

شکر

شنبه
۷ مهر ۱۳۹۴
شماره ۳۳۵

۱۴



معارف

● برتری نمازجماعت بر نماز اول وقت

آموزه‌های دینی و روایی درباره نمازجماعت توصیه بسیار دارند و آن را تجلی وحدت مسلمانان و تشکل آنان در نوبت‌های متعدد روزانه می‌دانند. روایات برای تشویق به شرکت در نمازجماعت، ثواب و برکات خاصی برای آن بیان کرده‌اند، مثل اینکه اگر تعداد نمازگزاران بیش از ۱۰ نفر باشد، ثواب هر رکعت از نماز هریک از آنان قابل شمارش نیست. ربه جماعت بخوانیم. نماز جماعت از نماز اول وقت که تنها خوانده شود، بهتر است و نیز نمازجماعت مختصر از نماز فرادای طولانی، برتر است.

● اشارات قرآن درباره نمازجماعت

شرکت در نمازهای جماعت، مستحب است و نسبت به آن خصوصا درباره کسی که همسایه مسجد است و کسی که صدای اذان مسجد را می‌شنود، بیشتر سفارش شده است (موسوی خمینی، روح...، توضیح المسائل، ص ۱۸۹، م ۱۳۹۹). در قرآن مستقیما به نمازجماعت اشاره نشده، اما فقیهان ذیل باب فضیلت نماز جماعت به آیه «وَ أَقِمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ ارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» (بقره، ۴۳) اشاره کرده‌اند (من لایحضره الفقیه، ج یک، ص ۳۷۵). برخی مفسران نیز رکوع دسته جمعی در آیه مذکور را کنایه از نمازجماعت دانسته‌اند.

● چرا جماعت؟

نماز جماعت حداقل با دو نفر یعنی امام و یک مأموم برپایی‌شود. امام‌رضا^(ع) درباره علت تشریع نمازجماعت می‌فرماید: «نماز جماعت بدان منظور قرار داده شد که اخلاص، توحید، اسلام و عبادت خداوند آشکار و ظاهر باشد» (عبون أخبار الرضا^(ع)، ج ۲، ص ۱۰۹). در «علل الشرائع» نیز از امام صادق^(ع) روایت شده است: «خدا نمازجماعت را برای این قرار داد تا کسانی که نماز می‌خوانند، از کسانی که نماز نمی‌خوانند، شناخته شوند و معلوم شود چه کسی اوقات نماز را حفظ و چه کسی آن را ضایع می‌کند». همچنین آمده است: «اگر نمازجماعت نبود، کسی نمی‌توانست درباره دیگری شهادت به خیر دهد».

● برتری نمازجماعت بر

مروری بر آثار و برکات نماز جماعت

نمازی با ارزش بی‌شمار



گزارش

آئمه مستقیمی! انسان همیشه و ذاتا به دنبال این است که به کار و اعمالش ضریب بدهد و به قول معروف با یک تیر چند نشان بزند. وقتی پای معنویت و عبادت به میان می‌آید، این میل و خواسته فطری هم شعله‌ورتر می‌شود و می‌خواهیم برای مثال یک رکعت نماز و یک صلوات ما آثار و برکاتش چندین برابر شود. نمازجماعت یکی از پاسخ‌های مهم به این خواسته و عطش است و یک رکعت آن، چه کارها نکرده و چه گره‌ها که باز نمی‌کند. برخی از این آثار را مرور کرده‌ایم.

● مُهر اجابت دعا

نمازجماعت دارای آثار فردی و اجتماعی بسیاری است؛ مثل استجابت دعا. پیامبر^(ص) در این باره می‌فرماید: «چون بنده خدا نماز را به جماعت گزارد و پس از آن حاجتی را از خدا بخواهد، خدای عزوجل از وی حیا می‌کند که پیش از روگرداندن او، حاجتش را برآورده نسازد» (ارشادالقلوب، ج یک، ص ۱۸۳). از دیگر آثار نمازجماعت آن است که انسان را در پناه خدا قرار می‌دهد. امام صادق^(ع) می‌فرماید: «هرکه نماز صبح و عشا را به جماعت بخواند، او در پناه خدای عزوجل است» (همان، ص ۱۸۴).

● عامل حسن شهرت علاوه بر این، نماز جماعت به انسان رفعت مقام می‌دهد؛ چنان‌که رسول خدا^(ص) فرمودند:

«ای علی! سه چیز موجب ترفیع مقام و درجه مؤمن است: ۱- وضوی کامل در هوای سرد، ۲- انتظار نماز بعد از نماز، ۳- شرکت مداوم در نمازهای جماعت» (بجارالأنوار، ج ۸۵، ص ۱۰). به فرموده ایشان، شرکت در نمازجماعت به انسان حسن شهرت نیز می‌دهد: «هرکه نمازهای پنجگانه را با جماعت بخواند، به او گمان هر خیر و نیکی را داشته باشد»

(بجارالأنوار، ج ۶۷، ص ۲).

● آثار بی‌مثال

بنا بر روایات اهل بیت^(ع)، دوری از نفاق، آمرزش گناهان، آسان شدن تحمل سختی‌های قیامت، ورود به بهشت و جلب خشنودی خدا و ملائکه نیز از آثار شرکت در نماز جماعت است. از رسول خدا^(ص) روایت است: «هر گاهی که نمازگزار به سوی مسجد بردارد، هزار حسنه برایش نوشته می‌شود، ۷۰ هزار درجه دریافت می‌کند و اگر در این حال از دنیا برود، خدا ۷۰ هزار فرشته را مأمور می‌کند تا در قبر او را زیارت کنند و در تنهایی قبر، مونس او باشند تا زمانی که از قبرش برانگیخته شود.»

(بجارالأنوار، ج ۸۵، ص ۲۴۴).

● برخی مستحبات و مکروهات نمازجماعت

نماجماعت آداب، مستحبات و مکروهاتی دارد، حضور اهل تقوا و علم در صف اول، ایستادن مأموم در سمت راست امام جماعت، رعایت حال ضعیف‌ترین مأمومان و نیز طولانی نکردن نماز به وسیله امام جماعت و برخاستن مأمومان هنگام شنیدن قداقت الصلاه، از مستحبات آن، و ایستادن مأموم در یک صف به تنهایی یا وجود امکان ایستادن در دیگر صفوف، نماز نافله خواندن پس از قداقت الصلوه و اقتدای حاضر به مسافر و بالعکس در نمازهای چهاررکعتی، و نیز بلند گفتن ذکرهای نماز توسط مأموم، جزو مکروهات آن است.

روشنا

رسول خدا^(ص) فرمودند: داناترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا کند و خوارترین مردم کسی است که به مردم اهانت کند.

احکام

تأخیر در پرداخت فطریه

حمیده ذاکری! با پایان یافتن ماه مبارک رمضان و فرارسیدن عید سعید فطر، یکی از واجبات مالی مهم بر دوش مسلمانان، زکات فطره یا همان فطریه است. این واجب دینی، برای کمک به نیازمندان و پاکیزه شدن روزه‌داران از کاستی‌های احتمالی در عبادت ماه رمضان، بسیار تأکید شده است. اما اگر کسی به هر دلیل تا به حال فطریه خود را پرداخت نکرده باشد، وظیفه‌اش چیست؟ آیا هنوز می‌تواند آن را بدهد؟ آیا گناهی مرتکب شده است؟ پاسخ این پرسش‌ها در احکام دینی، روشن است. براساس نظر مراجع تقلید، زمان وجوب پرداخت فطریه، شب عید فطر بعد از غروب آخرین روز ماه رمضان، تا پیش از نماز عید فطر است. اگر کسی در این بازه زمانی، فطریه را عمداً پرداخت نکند، معصیت کرده و گناهکار است. ولی همچنان موظف به پرداخت آن به نیت ادا (اگر زمان آن نگذشته باشد، یا قضا (اگر زمانش گذشته باشد) خواهد بود.

حکم پرداخت فطریه با تاخیر چیست؟ اگر به صورت غیر عمدی، مثلاً به دلیل فراموشی یا ناآگاهی، فطریه پرداخت نشده باشد، واجب است آن را به نیت قضا به مستحقان بدهد. اگر عمداً ترک شده باشد، توبه و جبران مالی آن واجب است. در هر صورت، فطریه باید به دست مستحق واقعی برسد، حتی اگر مدتی از زمان عید گذشته باشد.

آیتا...العظمی خامنه‌ای:

اگر فطریه تا قبل از نماز عید فطر پرداخت نشود، باید به نیت قضا پرداخت شود. در صورتی که فرد عمداً این کار را به تأخیر انداخته، مرتکب گناه شده است، اما تکلیف مالی او ساقط نمی‌شود و باید در اولین فرصت، فطریه را بپردازد.

آیتا...العظمی سیستانی:

اگر فطریه را در زمان مقرر نپردازد، همچنان موظف است آن را به نیت قضا ادا کند، حتی اگر فطریه را جدا کرده اما هنوز به دست مستحق نرسانده، باید آن را حفظ کند و در اولین فرصت به مصرف مستحق واقعی برساند.

آیتا...العظمی مکارم شیرازی:

پرداخت فطریه باید پیش از نماز عید صورت گیرد. اگر کسی نماز عید نمی‌خواند، تا ظهر روز عید مهلت دارد. در صورت تأخیر، باید آن را به قصد قضا پرداخت کند. تأخیر عمدی نیز گناه محسوب می‌شود.